

Research Article

Historical Analysis of Two Comprehensive Sources of Qur'anic Science of the Ninth Century; "Basaaer Firouzabadi and Al-Taysir Kafiji"

Najmeh Najm^{1*}, Mehdi Mehrizi², Mohammad Ali Mahdavidar³

Abstract

For the scholarly ontology of the sources of the Qur'anic sciences, there is no regular writing that illustrates the factors that influence the development and writing of important sources of the Qur'anic sciences with historical analysis for scholars in the field. The present study is a historical analysis of 9th-century Qur'anic Comprehensive Science Resources that provides qualitative research with analytical data on the influence of "Basaaer Firouzabadi and Al-Taysir Kafiji" and "the relationship between these two books with its contemporary companion books; "Mavaghe al-Oloom of the Bolgheini " and "Fazaael al-Quran of the Asghalani " have been addressed to specialized audiences of the Qur'an. Basaaer has had a remarkable impact on the comprehensive discussions of the Qur'anic sciences, considering the scientific, cultural and political circumstances of that day. Fazaael al-Quran is lower than Basra in terms of function, structure and content. Mavaghe al-Oloom is less influential than the book of Basaaer, and has had a declining influence on the sciences of the Qur'an in the 9th century. Kafiji's pride in the book of Al-Taiser, and on the other hand, the modesty of this book by Souoti, is moderate. These results help to understand the flow of science (Qur'anic sciences) and complement the quantitative and qualitative knowledge and insights of scholars on the "history of Quranic science resources".

Keywords: Basaaer, Al-Taysir, Sources of Quranic Sciences, 9th Century, Historical Analysis, Influencing Factors

-
1. Ph.D. in Qur'anic and Hadith Sciences, scientific staff and permanent researcher of Islamic Studies Research Institute of Al-Zahra Society, Qom, Iran
 2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran
 3. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Correspondence Author: Najmeh Najm

Email: Amirzadehj@yahoo.com

DOI: [10.30495/QSF.2022.1897619.2152](https://doi.org/10.30495/QSF.2022.1897619.2152)

Receive Date: 15.04.2020

Accept Date: 22.08.2020

تحلیل تاریخی دو منبع جامع علوم قرآن قرن نهم؛ بصائر فیروزآبادی و التیسیر کافیجی

نجمه نجم^{۱*}، مهدی مهریزی^۲، محمدعلی مهدوی راد^۳

چکیده

برای جریان‌شناسی علمی منابع علوم قرآن، نگارش منظمی که عوامل موثر بر تطور و نگارش منابع مهم علوم قرآن را با تحلیل تاریخی برای دانش‌پژوهان این رشته به تصویر بکشد، موجود نیست. بررسی حاضر، تحلیل تاریخی منابع جامع علوم قرآن قرن ۹ بوده که با روش پژوهش کیفی، داده‌های تحلیلی را در مورد تاثیرگذاری «بصائر فیروزآبادی و التیسیر کافیجی» و رابطه دو کتاب مذکور با کتب جامع هم‌عصر آن؛ «مواقع العلوم بلقینی» و «فضائل القرآن عسقلانی»، برای مخاطبان تخصصی رشته علوم قرآن بیان کرده‌است. کتاب بصائر با توجه به سنجش احوالات علمی، فرهنگی و سیاسی آن روزگار در مباحث جامع علوم قرآن تاثیرگذاری قابل‌قبولی داشته است. کتاب فضائل القرآن از حیث کارکرد، ساختار و محتوا رتبه‌ای پایین‌تر از بصائر دارد. کتاب مختصر مواقع العلوم از کتاب مفصل بصائر، تاثیرگذاری کمتری داشته و تاثیرگذاری در عرصه علوم قرآن را در قرن ۹ سیر نزولی می‌دهد. مباحث کافیجی بر کتاب التیسیر و از سوی دیگر کوچک شمردن این کتاب توسط سیوطی، تاثیرگذاری آن

-
۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، کادر علمی و پژوهشگر ثابت پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهراء(س)، قم، ایران
 ۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
 ۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران

ایمیل: N.najm313@yahoo.com

نویسنده مسئول: نجمه نجم

DOI: 10.30495/QSF.2022.1897619.2152

را متوسط نشان می‌دهد. این نتایج، کمک‌کننده به فهم جریان علم (علوم قرآن) کرده و دانش و بینش کمی و کیفی دانش‌پژوهان را نسبت به «تاریخ منابع علوم قرآن» تکمیل می‌کند.

واژگان کلیدی: بصائر، التیسیر، منابع علوم قرآن، قرن ۹، تحلیل تاریخی

مقدمه و بیان مسئله

قرآن و منابع نگارش یافته در مورد آن، به‌عنوان یکی از مهمترین منابع اصیل دین همواره در طول تاریخ اسلام مطرح بوده است. صاحب‌نظران اسلامی در معنای عام و نگارندگان علوم قرآن همواره در صدد حفظ رویکرد علمی و دینی نسبت به منابع قرآنی و علوم قرآن بوده‌اند. با این وجود در بررسی سیر تاریخی منابع مهم علوم قرآن در دوره‌های مختلف، شاهد تغییرات ساختاری، کارکردی و حتی محتوایی هستیم. در نگاه اول، تغییر و تحولات عمدتاً ناشی از عوامل و عناصر تحول‌زای شخصی در اندیشه، تخصص و مذهب نویسنده و شرایط پیرامونی او از ابعاد مختلف بوده که در بسیاری از موارد، تحت اقتضات زمانی و مکانی متفاوت رخ داده‌است. درک و بررسی این تغییر و تحولات و به‌عبارتی تحلیل تاریخی نگارش‌های مهم علوم قرآن، نیازمند مطالعاتی روش‌مند با پشتوانه‌های نظری و مبتنی بر اتخاذ رویکردی علمی و منسجم است.

بیان مسئله: ارائه گزارش از منابع علوم قرآن، بر محور زمان و با معرفی نام کتب و منابع تخصصی علوم قرآن در کتب مختلف شیعه و اهل سنت موجود است. بدین ترتیب شناخت و آگاهی از سیر نگارش‌های علوم قرآن به‌صورت گزارشی در قالب «تاریخ نقلی» در اختیار جامعه علمی قرار گرفته‌است. البته کسب این شناخت هر چند مهم و مبنایی؛ اما ناکافی به نظر می‌رسد. برای روندشناسی و جریان‌شناسی علمی منابع علوم قرآن، نگارش منظمی که عوامل موثر بر تطور و نگارش منابع علوم قرآن را با تحلیل تاریخی برای دانش‌پژوهان این رشته به تصویر بکشد، موجود نیست. علاوه بر آنکه دانستن عوامل مؤثر بر تطور و فراز و نشیب‌های منابع مهم علوم قرآن، کمک شایانی به درک درست مخاطبان تخصصی این رشته برای «تاریخ منابع علوم قرآن» خواهد کرد.

در نتیجه، جهت پردازش اطلاعات و فهم عوامل و دلایل فراز و فرودهای این آثار، گزارش‌های کمی و کیفی لازم است. حلقه مفقوده شناخت در این موضوع، شناختی است که همراه با بازکاوی تاریخی نگارش‌های علوم قرآن و تجزیه و تحلیل آن‌ها به دست می‌آید تا سهم عوامل درونی و بیرونی را در مورد نگارش‌های علوم قرآن مشخص‌سازد که تاکنون بدان پرداخته نشده‌است. حصول این شناخت، به‌گونه‌ای مکمل کارهای انجام‌شده خواهد بود و این مقاله در پی تحقق بخشی از این مهم است.

این پژوهش در صدد است به «تحلیل تاریخی مهم‌ترین منابع تاثیرگذار در علوم قرآن قرن نهم» پرداخته و بر اساس روزگار مؤلف، تاریخ نگارش متن، زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی آن، استادان مؤلف، هم‌عصران او و ریشه‌های اندیشه یا مکتب فکری نویسنده و مواردی از این دست، مواد تحلیل را فراهم آورد. همه این اقدامات برای پاسخ به این سوال طراحی شده‌است که: مهم‌ترین نگارش‌های جامع تاثیرگذار در علوم قرآن قرن نهم، متأثر از چه عوامل بنیادینی بوده و به چه صورت قابل تحلیل است؟

هدف و ضرورت: هدف در نظر گرفته شده برای این تحقیق؛ شناسایی، ارائه و نظام داده‌ها در قالب شناخت سیر منابع و عوامل مؤثر در نگارش مهم‌ترین منابع جامع علوم قرآن قرن ۹ و همچنین تغییرات اندیشه‌ای و نگارشی نویسنده است. چرا که می‌بایست دانش‌پژوهان این رشته با رویکرد تحلیلی، سیر نگارش‌های علوم قرآن را فهم کنند.

پیشینه تحقیق

«سیر نگارش‌های علوم قرآنی» محمدعلی مهدوی راد مهم‌ترین منبع شیعی معاصر بوده که در چاپ‌های مختلف از جمله سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات هستی‌نما چاپ شده است. این کتاب از حیث گزارشی و در قالب تاریخ نقلی، مبنایی بوده؛ اما مسئله تحقیق حاضر، معرفت عوامل و دلایل فراز و فرودهای یکی از این نگارش‌ها و ارائه گزارشی کیفی و تحلیلی است. کتاب «درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی» محمدتقی دیاری بیدگلی به‌طور کلی نگاهی تاریخی و پیشینه‌ای به علوم قرآن و موضوعات آن دارد و در صدد بیان تطورات و کشف عوامل مؤثر بر آن نیست. این کتاب در سال ۱۳۸۷ توسط دانشگاه قم به چاپ رسیده است. کتاب «متدولوژی علوم قرآنی» اثر ابراهیم فتح‌اللهی که در سال ۱۳۸۸ توسط دانشگاه امام صادق (ع) چاپ شده با رویکردی معرفت‌شناسانه، علوم قرآنی و چیستی آن؛ سیر تاریخی، رده‌بندی و روش‌شناسی هر یک از علوم را بررسی کرده و ملاک‌های رده‌بندی علوم قرآنی را از دیدگاه دانشمندان اسلامی توضیح داده است. مرتبط‌ترین کتاب با این تحقیق، «فرهنگ‌نامه علوم قرآن (علوم و تألیفات)» که حاصل رساله دکتری ابراهیم اقبال با عنوان «سیر تطور علوم قرآن» بوده که توسط موسسه چاپ و نشر بین‌الملل در سال ۱۳۸۵ چاپ شده است. این نگاه‌شسته به تعریف، تقسیم، پیدایش، سیر، پیشرفت و فهرست تألیفات علوم قرآن پرداخته که فهرست تألیفات را بر محور تعدادی موضوعات علوم قرآن با توجه به سیر تاریخی آن ارائه می‌دهد. سیر تطور در این کتاب به‌صورت گزارش تألیفات و تغییرات کمی منعکس شده و از هدف این تحقیق فاصله دارد.

آثار موجود، به‌گونه‌ای است که به‌شکل سخت‌افزاری، اطلاعات لازم در این زمینه را در اختیار جامعه علمی قرار داده است. اما این تحقیق، به دنبال شناخت همراه با بازکاوی پدیده‌های تاریخی بوده که به‌گونه‌ای بخش نرم‌افزاری این شناخت است و طبق جستجوی انجام‌شده تاکنون بدان پرداخته نشده است. مزایای این نگارش، تلاش برای تحلیل تاریخی و سامان هدفمند اذهان مخاطبان علوم قرآن در مواجهه با تاریخ منابع علوم قرآن است.

روش: ابتدا با روش اسنادی به جمع‌آوری داده می‌پردازد. اتخاذ رویکرد تفسیری و تحلیل تاریخی (محمدپور، ۱۳۹۲: ۵۰/۲-۵۱-۵۰؛ محسنی، ۱۳۹۵: ۱۳۳) در پی آن است که بدون پیش‌داوری به تحلیل نگارش‌های جامع علوم قرآن قرن ۹ با محوریت کتاب جامع بصائر فیروزآبادی و التیسیر کفاجی پرداخته و میزان تاثیرگذاری منابع را در علوم قرآن با تکنیک قیاسی بررسی کند. تکالیف اساسی در چرخه تحلیل این پژوهش عبارتند از: شناسایی و توصیف منابع تاثیرگذار و مهم، مقایسه و بیان سیر صعودی یا نزولی تاثیر منابع، تحلیل استقرایی داده‌ها.

مفاهیم: مراد از منبع جامع علوم قرآن، کتب جامع‌نگاری در زمینه علوم قرآن است که مجموعه‌ای از مباحث سندی قرآن مثل تاریخ قرآن، رسم‌الخط، قرائت، تحریف‌ناپذیری و اعجاز و همچنین مباحث محتوایی قرآن مثل مکی و مدنی، سبب نزول، نسخ، محکم و متشابه را به‌طور تجمیعی یا گزینش چند موضوع علوم قرآن در بردارد. به‌عبارتی در تنظیم و تدوین کتاب، نگاه جمعی به مسائل علوم قرآن و ارائه نظام‌مند آموزه‌ها و گزاره‌های آن موردنظر بوده است. (برای مطالعه بیشتر ر.ک به: فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۰، ص ۴۹-۵۷)

گزینش منابع جامع تأثیرگذار قرن نهم: دامنه بررسی این تحقیق، معطوف به منابع جامع تأثیرگذار علوم قرآن در قرن نهم است. مراد از منبع جامع تأثیرگذار این است که با کمک منابع علمی و صاحب‌نظران، با ملاک قراردادن قدمت، جامعیت، جایگاه نویسنده و شرح‌نویسی‌ها و تلخیص‌های حول کتاب و همچنین تأثیرگذاری کتاب و نویسنده آن در دوره خود و در دوره‌های دیگر، کتاب جامع بصائر فیروزآبادی و التیسیر کافیجی به‌عنوان دو کتاب جامع قرن ۹ و به‌عنوان کتب تأثیرگذار بر نگارش‌های بعدی علوم قرآن شناخته می‌شود.

همچنین کتب هم‌عصر با این دو منبع جامع و تأثیرگذار در علوم قرآن که می‌توانست در تحلیل تاریخی کتب جامع قرن ۹ تأثیرگذار باشد، گزینش شدند.

منابع گزینش‌شده قرن ۹ عبارتند از:

دو منبع جامع تأثیرگذار:

بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز اثر مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۸۱۷)

و

التیسیر فی قواعد علم التفسیر محیی الدین کافیجی (۸۷۹)

کتب جامع هم‌عصر:

مواقع العلوم من مواقع النجوم جلال‌الدین بلقینی (۸۲۴) فضائل القرآن ابن حجر عسقلانی (۸۵۲)

تحلیل تاریخی بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز اثر مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۷۲۹-۸۱۷ ق)

شناخت کتاب از حیث ساختاری، کارکردهی و محتوایی

بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز اثر مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی (۸۱۷ ق)، کتابی است که در آن به موضوعات مختلف علوم قرآن از جمله وجوه و نظایر پرداخته شده است. مطالب کتاب، در شش جلد و سی باب تنظیم شده است. باب اول در جلد اول و سایر ابواب در دیگر مجلدات کتاب آمده است. در جلد اول نویسنده به حسب ترتیب سوره‌ها وارد بحث شده و در هر سوره، نه موضوع را بررسی کرده است: محل نزول، حروف و کلمات، اختلاف قاریان در تعداد آیات، مجموع فواصل، نام یا نام‌های سوره، مقصود و محتوا، ناسخ و منسوخ، آیات متشابه و فضیلت هر سوره. پس از آن بحثی اجمالی از تعداد حروف، کلمات و آیات قرآن کریم صورت گرفته است. بخش عمده کتاب نیز که جلد دوم تا ششم از کتاب را فراگرفته به تفسیر مفردات اختصاص دارد که همانند عمل راغب در مفردات به‌ترتیب حرف اول کلمه تنظیم شده و تا

باب بیست و نهم ادامه یافته است. در باب سی‌ام کتاب نیز به انبیای ذکر شده در قرآن و داستان آن‌ها پرداخته شده است. مباحث علوم قرآن در این اثر فراوان بحث شده است (ر.ک به: مهدوی راد، ۱۳۷۵ش: ۴۷-۵۷؛ فصلنامه پژوهش‌های علوم قرآنی، شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۳۲۲-۳۳۷).

در مقدمه محقق، ابتدا زندگی‌نامه مفصلی از نویسنده، شامل اطلاعات مربوط به ولادت و نشأت علمی، اساتید، سفرهای علمی، جایگاه و منزلت علمی، مذهب فقهی، استقرار و زندگانی در یمن، نحوه وفات و تألیفات و آثار وی ارائه و در ادامه، به شیوه نویسنده، اصول رعایت شده در کتاب و نکات تحقیقی صورت گرفته در مورد آن، اشاره شده است (ر.ک به: فیروزآبادی، ۱۴۱۶ق: مقدمه).

از جمله ویژگی‌های این کتاب، جایگاه بلند آن در میان آثار علوم قرآن است. نویسنده ابتدا از فضایل قرآن سخن گفته است و آنگاه از اعجاز آن، سپس واژگانی را تبیین و توضیح کرده که در کتاب کاربرد داشته است، مانند: «تأویل»، «تفسیر»، «تنزیل»، «وحی». در ادامه به نام‌های قرآن پرداخته و در فصل ششم این بخش، از ترتیب نزول سخن گفته است و اسباب نزول سوره‌ها و آیة‌ها، اهمیت آن در شناخت قرآن و بالاخره گونه‌های خطاب‌ها، جواب‌های قرآنی را بیان کرده است.

فصل هشتم کتاب، فصلی است مفصل که نویسنده در آن، درباره سوره‌ها سخن رانده است. این فصل را می‌توان سوره‌شناسی نامید. این فصل با سخن از سوره «بقره» آغاز و با گفتاری در باب سوره «ناس» به پایان رسیده است (ر.ک به: فیروزآبادی، ۱۴۱۶ق: کل کتاب).

نمایه موضوعی این کتاب عبارتند از:

فواصل و فضائل نام سوره	تعداد حروف، کلمات و آیات	اعجاز	تنزیل	وحی	اسباب نزول	نسخ
متشابه	تاویل	اختلاف قاریان در تعداد آیات	فواصل	تفسیر	مفردات	قصص

محقق در مقدمه به این نکته تذکر می‌دهد که نویسنده در خطبه کتاب تصریح می‌کند که مطالب در ضمن یک مقدمه و شصت مقصد تنظیم شده است؛ اما در واقع فقط تا مقصد پنجاه و ششم در کتاب درج گردیده و مابقی آن احتمالاً به دلیل نقص استنساخ به دست ما نرسیده است.

تحلیل کتاب بصائر فیروزآبادی

فیروزآبادی بسیار اهل سفر بود و به هر شهر و دیاری که وارد می‌شد مورد استقبال متولیان آنجا قرار می‌گرفت. هوش و حافظه قوی وی تا دم مرگ برقرار بود و گزارش شده که همه جا سلاطین و حکام با اشتیاق از او استقبال می‌کردند (مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۱۷۱-۲۰۲). از آنجا که فیروزآبادی در کنار دانش زبان عربی، در علوم اسلامی نیز دانش وسیعی داشت علاوه بر «القاموس المحیط» که مهمترین اثر وی است (ر.ک به: فیروزآبادی، ۱۹۹۱م)، آثار دیگری (بیش از چهل جلد) در علوم اسلامی دارد (ر.ک به: حاجی خلیفه، ۱۹۸۲م: ۱۳۰۶/۲-۱۳۰۸). کتاب مرتبط با علوم قرآن او، کتاب بصائر است که توضیح آن داده شد.

می‌توان گفت شهرت مولف بیشتر از شهرت کتاب بصائر اوست؛ چرا که مؤلف دانشمندی بزرگ بوده که در طلب علم و معرفت به کشورهای مختلف شرق و غرب سفر کرده است. او منزلت زیادی نزد عوام، خواص و حتی حاکمان داشت، به گونه‌ای که بزرگان مصاحبت وی را غنیمت شمرده و در معاشرت با او رقابت می‌کردند.

کتاب قاموس المحيط او به‌خاطر ویژگیهای خاص آن، شهرت او را دو چندان کرد. در نتیجه کتاب بصائر او به‌طور متوسط در طبقه فرهیختگان شناخته شده است. او در کتاب بصائر خود ذیل هر سوره، مباحثی از علوم قرآن را بررسی کرده است؛ مثل محل نزول، حروف و کلمات، اختلاف قاریان در تعداد آیات، مجموع فواصل، نام یا نام‌های سوره، مقصود و محتوا، ناسخ و منسوخ، آیات متشابه و فضیلت هر سوره. از شش جلد این کتاب، فقط جلد اول آن را می‌توان در قالب علوم قرآن و به‌عنوان کتابی جامع معرفی کرد؛ چرا که جلد‌های دو تا شش به مباحث مفردات و وجوه و نظائر پرداخته است. البته مابقی جلد‌ها هم مرتبط با علوم قرآن است ولی به‌صورت تک‌نگاری و تمرکز بر موضوع خاصی از علوم قرآن. در مجموع، جلد اول کتاب بصائر به‌ضمیمه مباحث وجوه و نظائر، به‌عنوان یک کتاب جامع علوم قرآن قابل طرح است.

تحلیل تاریخی التیسیر فی قواعد علم التفسیر محیی الدین کافیجی (۸۷۹)

شناخت کتاب از حیث ساختاری، کارکردی و محتوایی

«التیسیر فی قواعد علم التفسیر» تألیف محی الدین محمد بن سلیمان کافیجی به زبان عربی پیرامون مسائل مهم علم تفسیر نگاشته شده است.

کتاب با مقدمه محقق آغاز شده که در آن به اهمیت علم تفسیر، موضوع و ابزار آن، اهمیت کتاب حاضر، معرفی مؤلف، دوران زندگی و آثار او پرداخته است. بررسی نسخه‌های کتاب و رعایت قواعد رسم نوشتاری، رد کلمات تحریف‌شده به اصلشان و اضافه بعضی کلمات با توجه به سیاق جملات یا روشن کردن معنا، استخراج آیات قرآنی، احادیث نبوی و آدرس آن‌ها و معرفی اعلام از جمله تلاش‌های محقق است. کتاب در دو باب تدوین شده که تفصیل آن در فهرست موضوعات آمده است. باب اول به اصطلاحات علم تفسیر و مسائلی پیرامون علوم قرآن مانند اعجاز، تواتر قرآن، محکم و متشابه و باب دوم به بیان قواعد و مسائل علم تفسیر پرداخته است. مطالب با رعایت اختصار به‌عنوان محورهایی جهت تحقیق علاقه‌مندان بیان شده است. البته در این باب هم به مباحث علوم قرآن چون اعجاز، متشابه، تاویل، نسخ و سبب نزول پرداخته است (ر.ک به: کافیجی، ۱۴۱۹ق: ۷۵۳).

نویسنده معنای لغوی تفسیر را کشف و اظهار و معنای عرفی آن را کشف معانی قرآن و بیان مراد معانی آن می‌داند. همچنین معنای تاویل در لغت و عرف، مسئله اجتهاد مجتهد، جایگاه حکم عقل در تفسیر و مسئله تفسیر به رای را بیان می‌کند. در جواز تفسیر قرآن می‌گوید تفسیر گاهی به‌معنی قطع بر مراد از لفظ استعمال می‌شود که این جایز نیست مگر برای صاحب وحی، و شاهدین نزول و اسباب آن، و گاهی به‌معنی خبر دادن از مراد لفظ به‌خاطر غلبه ظن حاصل از اصول است که این برای هر کسی که علم تفسیر و لوازم

آن را فراگرفته باشد جایز است. علمی که مفسر جهت تفسیر محتاج آن است به دو قسم تقسیم میشود: اول: علوم اعتقادی و دوم: علم معرفت احکام و عمل به آن. و جهت فراگیری این دو علم شناخت پانزده علم را به طور مثال؛ علم لغت، علم اشتقاق، تصریف، نحو، معانی، بیان، بدیع و غیره را لازم و یادگیری علم تفسیر و تدوین آن را مثل سایر علوم اسلامی با استناد به اجماع واجب می‌داند.

پس از برشماری موضوع علم تفسیر به فضیلت آن و بررسی قرآن در لغت عرب، قرآن را بالاتفاق معجزه می‌داند. در ادامه پس از تعریف سوره، آیه و فصل قائل است: قرآن واجب است که در اصل و اجزایش متواتر باشد اما در سایر مسائل مثل ترتیب آیات اختلاف بوده که قول صحیح و جوب تواتر آن در آیه، سوره و فصل است. پس از تعریف محکم، متشابه، دلالت و انواع آن، نزول و انزال اسباب نزول را سببی که قرآن به خاطر آن نازل شده می‌داند. در باب دوم پس از بیان اینکه هر آیه محکمی در قرآن قطعاً دلالت بر معنای مرادش دارد آن را از اولیات دانسته و اکثر مطالب قرآن را اطلاعات و عموماً می‌داند که متعرض خصوصیات نشده‌اند و با شناخت عموماً، احکام جزئیات اجمالاً معلوم می‌شود. پس از بررسی معانی معارضه و نسخ در لغت و اصطلاح، معارض حقیقی بین حجتهای شرعی را منتفی و وقوع تعارض را دلیل بر جهل و عجز میدانند که خداوند منزله از توصیف به جهل است، پس هر تعارض و تناقضی که دیده می‌شود ناشی از جهل ما به تاریخ است و بین دو آیه‌ای که در نظر ما متعارض هستند باید جمع کرد و در جمع کردن باید جهت دلیل، حکم و حال و وقت را در نظر گرفت پس از بررسی این موارد در خاتمه بر فضیلت علم و شرف تفسیر و آداب استاد و شاگرد با استمداد از کتاب، عقل، سنت و آثار بزرگان می‌پردازد (کافیجی، ۱۴۱۹ق: ۷۳-۸۵).
از جمله آثاری است که مباحث آن بیشتر مرتبط با علوم قرآن است و نمایه موضوعات آن عبارتند از:

تفسیر	تواتر	طبقات	نسخ	قواعد	محکم و	اعجاز	سبب	تاویل	تنزیل
آیات	قرآن	مفسران		تفسیر	متشابه		نزول		

تحلیل التیسیر کافیجی

کافیجی از فقیهان، ادیبان و مفسران دوره خود بوده و بر دانش‌های مختلف تسلط داشته تا حدی که به تعبیر شاگرد او جلال‌الدین سیوطی، هر گاه بر استاد وارد می‌شده پژوهش تازه و شگرفی از استاد می‌دیده است (مهدوی‌راد، ۱۳۸۴ش). همچنین از بزرگان و مشاهیر علماء در علوم عقلی است که اصالتاً از روم بوده و در مصر به حد اعلای اشتهار رسیده است.

کافیجی یکی از استادان سیوطی است که از شاگرد خود نیز استفاده کرده است. کافیجی احتمالاً کتاب البرهان زرکشی را ندیده است؛ چرا که به نقل از سیوطی، کتاب خود را بسیار برتر می‌دانست و معتقد بود قبل از او همچون کتابی نبوده است (ر.ک به: کافیجی، ۱۴۱۰ق: مقدمه مطرودی). اما سیوطی می‌گوید آن را استنساخ کردم، دیدم کتابی است خرد در دو باب که نه تشنه‌ای را سیراب می‌کند و نه جست و جوگری را به مقصد می‌رساند (ر.ک به: سیوطی، ۱۳۸۷ق: مقدمه). هر چند سیوطی این کتاب را کوچک می‌شمارد ولی به نظر می‌رسد این داوری سیوطی درباره کتاب کافیجی درست نیست. شاید به دلیل توانمندی بیشتر سیوطی و نقشه علمی‌ای که در ذهن برای نگارش الاتقان داشته، موجب حقیربودن این نگارش نزد او شده است.

یکی از نکات تامل برانگیز کافجی در موضوعات علوم قرآن پردازش او در بحث سبب نزول است. کافجی معتقد است گفتگو درباره‌ی سبب نزول آیه بدون شنیدن و دیدن واقعه جایز نیست، زیرا سبب نزول از امری است که مستندی جز شرع ندارد. پس اگر روایتی نباشد سخن درباره آن مانند گفتار پیرامون مسائل غیبی، نارواست. کافجی پرهیز و ورع پسینیان از غور در اسباب نزول را به‌همین دلیل دانسته است (ر.ک به: کافجی، ۱۴۱۹ق: ۲۰۶).

به‌هر ترتیب اثر تیسیر کافجی که در موضوعات مختلف علوم قرآن مطلب دارد. اکثر مباحث آن با کارکرد علوم قرآنی بیان شده و اثر قابل توجه و قابل استفاده‌ای در عصر خود بوده‌است. البته برای کسانی که با توجه به شرایط آن روزگار به کتاب البرهان دسترسی نداشته و حتی آگاهی نسبت به آن نداشته‌اند.

تحلیل دو کتاب جامع و هم‌عصر بصائر و التیسیر

دو کتاب جامع دیگر نیز در قرن نهم وجود دارد که اسامی آن عبارتند از: مواقع العلوم من مواقع النجوم جلال الدین بلقینی (۸۲۴م)، فضائل القرآن ابن حجر عسقلانی (۷۷۳-۸۵۲م).

مواقع العلوم من مواقع النجوم جلال الدین بلقینی (۸۲۴م)

ابوالفضل جلال الدین بلقینی، محدث، فقیه، اصولی، واعظ و ادیب بود. در ۷۶۳ در قاهره به دنیا آمد و زیر نظر پدرش، سراج‌الدین، حافظ قرآن شد. سرانجام وی با مساعدت پدر و درباریان عملاً به مقام قاضی القضاتی ارتقا یافت و تا ۸۲۱، مگر در پاره‌ای از زمان، در این مقام باقی بود. از جمله آثار او، تفسیر ناتمامی از قرآن است (ر.ک به: سخاوی، بی تا: ۱۰۸/۴ و ۱۱۳؛ فاروپی فیروزی، بی تا: ۴۸۸-۴۹۱؛ کحاله، بی تا: ۱۶۰/۵). مهمترین اثر او در زمینه علوم قرآن کتاب مواقع العلوم فی مواقع النجوم بوده که دارای شش فصل است: فصل اول شامل مباحث شان و مواقع و وقایع نزول آیات است که ذیل این فصل ۱۲ نوع آیه‌ای که مکه و مدینه، سفر و حضر، تابستان و زمستان، نزول آیات هنگام استراحت پیامبر، اولین و آخرین آیات نازل شده و غیره را ذکر می‌کند. فصل دوم پیرامون سند قرآن است. فصل سوم را در مورد آداب تلاوت و چگونگی ادا صحیح کلمات قرآنی سامان می‌دهد. فصل چهارم در مبحث الفاظ قرآن است و فصل پنجم در موضوع معانی قرآن در نظر گرفته شده که مرتبط با احکام قرآن است و در آن به مجمل، مبین، موول، مفهوم، مطلق، مقید، ناسخ و منسوخ و انواع آن نیز پرداخته است. در نهایت در فصل ششم در مورد معانی که متعلق به الفاظ قرآن است بحث می‌کند (ر.ک به: بلقینی، ۱۴۳۷ق: مقدمه و کل کتاب).

نکته قابل توجه اینکه سیوطی در قرن نهم کتاب التحבیر فی علم التفسیر خود را مطابق با همین سبک و سامان بلقینی نوشت و شرح و اضافاتی به آن افزود (ر.ک به: سیوطی، ۱۴۲۱ق: مقدمه).

در تحلیل کتاب مواقع العلوم بلقینی، توضیح سیوطی کفایت‌کننده است. سیوطی بعد از ملاحظه کتاب مواقع العلوم بلقینی می‌گوید من آن کتاب را لطیف و مجموعه‌ای با ظرافت یافتم که مرتب و با تقریر متنوع و پرمحتوا بود. در آنجا شش امر کلی را ذکر کرده بود که شامل ۵۰ نوع از انواع علوم قرآن می‌شد. سپس بلقینی هر یک را با کلامی مختصر آورده و توضیح داده است. علاوه بر آن طبق اظهار سیوطی در مقدمه کتاب التحبیر (سیوطی، ۱۴۲۱ق: مقدمه)، علوم قرآن مانند هر فنی، مهمل باقی ماند تا اینکه بلقینی کتابش

(مواقع العلوم) را نوشت و سپس آن را تنقیح، تبویب و دسته‌بندی کرد؛ به‌نحوی که در این نوع بی‌سابقه بود. اما به‌ر حال هر امر بدیعی، کار کوچکی به‌شمار می‌رود و به‌تدریج پیشرفت می‌کند. کتاب او در عصر خود برای کسانی که البرهان زرکشی را ندیده بودند قطعاً قابل‌استفاده بوده، چرا که تنقیح و ساماندهی بلقینی در آن روزگار قابل توجه بوده است. هر چند بعدها با شناسایی البرهان و نگاشت الاتقان، جایگاه خود را از دست داد.

فضائل القرآن ابن حجر عسقلانی (۷۷۳-۸۵۲م)

ابن حجر عسقلانی کنانی مصری، یکی از علمای بزرگ حدیث و فقه شافعی، مؤرخ و شاعر است. سخاوی بزرگ‌ترین شاگرد و شرح حال نویسنده ابن حجر عسقلانی بوده که کتابی در ترجمه حال او به‌نام «الجواهر والدرر فی ترجمه شیخ الإسلام ابن حجر» نگاشته است (ر.ک به: سخاوی، بی‌تا: ۳۶/۲-۴۰). عسقلانی در قاهره متولد شده ولی دوران علمی خود را در مکه گذرانده است (عسقلانی، بی‌تا: ۱۱۶/۱). اساتید او شیوخ بزرگی بودند که هیچ‌یک از معاصران او همچون اساتیدی نداشتند، زیرا هر یک از این شیوخ در فن خود متبحر بودند و کسی در فن اختصاصی آن‌ها به پایه ایشان نمی‌رسید، مانند تنوخی در معرفت قرائات و عراقی در معرفت علم‌الحدیث و هیثمی در حفظ متون و بلقینی در وسعت محفوظات و کثرت اطلاع و ابن‌الملقن در کثرت تصانیف و مجدالدین فیروزآبادی صاحب قاموس در معرفت لغت و عُماری در ادبیات عرب و عزین جماعه در احاطه بر علوم گوناگون (ر.ک به: زریاب، ۱۳۷۴: ۳۳-۳۱۹/۳؛ عسقلانی، بی‌تا: ۱۱۶/۱). عسقلانی در یمن بود که با مجدالدین فیروزآبادی صاحب قاموس و کتاب بصائر ملاقات کرد (ر.ک به: عزالدین، ۱۴۱۴ق: ۱۲۳/۱-۱۲۴). با وجود اهمیت منصب قضا در آن دوره ولی به‌دلیل فسادهای قضات آن دوره، ابن حجر همچون مسئولیتی را با وجود پیشنهادهای مالی زیاد نپذیرفت ولی بعدها ابن حجر به‌جهت دوستی با جلال بلقینی نیابت او را در قضا پذیرفت (ر.ک به: زریاب، ۱۳۷۴: ۳۱۹/۳؛ عزالدین، ۱۴۱۴ق: ۱۵۶/۱).

از مجموعه مقاومت‌های ابن حجر در برابر سلاطین معاصرش، شخصیت و تقوای او نمایان می‌شود، گر چه برخی معتقدند حرص و ولع در او برای کسب مقام ایجاد شد؛ اما هرگز به بیت‌المال خیانت نکرد و در مقابل حاکمان و جو سیاسی حکم خلاف مبانی شرع نداد (ر.ک به: عسقلانی، بی‌تا: ۳۸۸-۳۸۷/۷)^۱. تألیفات وی بیش از یکصد و پنجاه عدد است که از جمله آن کتاب اسباب النزول و الايات النیرات الخوارق المعجزات او در زمینه علوم قرآن بوده و مهمترین کتاب او کتاب جامع فضائل القرآن اوست. برخی موضوعاتی که در کتاب فضائل القرآن او آمده عبارتند از: نزول قرآن به زبان قریش و عرب، جریان جمع و تدوین قرآن، نزول قرآن طبق اُحرف سبعة، تألیف قرآن، عرضه قرآن از جانب جبرئیل علیه‌السلام بر پیامبر اکرم

۱. با مطالعه کتاب انباء الغمر او که از جمله کتاب‌های مهم تاریخ ممالیک در اواخر قرن ۸ و نیمه اول سده ۹ق است می‌توان به حوادث سیاسی و نظامی زمان او پی برد علاوه بر اینکه اوضاع مالی و اقتصادی و کشاورزی مصر را نیز از نظر دور نداشته است و به جزئیاتی از قبیل وضع هوا و باران و قحطی‌ها و بیماری‌های مسری مخصوصاً طاعون که در آن زمان در سال‌های مختلف در مصر و شام کشتار وحشتناک می‌کرده، پرداخته است. در شرح حال علما و امرا به خصوصیات اخلاقی آن‌ها اشاره کرده و از انتقاد بسیاری از معاصران غفلت نکرده است (زریاب، ۱۳۷۴: ۳۱۹/۳).

صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، قرآء از صحابه، فضائل برخی سور قرآن کریم، فضیلت قرآن بر سایر سخنان، فضیلت تعلیم و تعلّم قرآن، آموزش قرآن به کودکان و... (ر.ک به: عسقلانی، ۱۳۸۲ش: مقدمه و کل کتاب). عسقلانی با وجود اساتیدی چون فیروزآبادی و بلقینی و تأثیرپذیری از آن‌ها جزو افرادی است که در علوم قرآن قابل طرح است. سخاوی شاگرد او نقش مهمی در رونق و ارائه مطالب علوم قرآن او داشته است. شاید اگر کتاب فضائل القرآن عسقلانی قبل از البرهان و الاتقان نگاشته می‌شد به‌عنوان یک منبع تأثیرگذار قابل طرح بود. اما فارغ از آشنایی یا عدم آشنایی عسقلانی با البرهان، نمی‌توان اثر فضائل القرآن او را به‌عنوان یک منبع تأثیرگذار علوم قرآن پذیرفت.

جمع‌بندی بصائر و التیسیر

فیروزآبادی در کتاب بصائر از مباحث متنوع و تقریباً جامعی از علوم قرآن بحث کرده است. از مکان نزول، تعداد آیات، کلمات، حروف، آیات مورد اختلاف، نام سوره‌ها، ناسخ و منسوخ در سوره، چرایی تکرار در سوره، آهنگ کلی سوره و مباحث محوری سوره، سخن گفته است. شخصیت علمی و تخصص ادبی او موجب شده که به‌طور جدی به واژه‌شناسی قرآنی بپردازد حتی به‌تعبیر نویسنده‌ای (فصلنامه پژوهش‌های علوم قرآنی، شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۳۲۲-۳۳۷) فراتر از آنچه در «غریب القرآن‌ها»، «معانی القرآن‌ها»، «اشباه و نظائرها» و «وجوه القرآن‌ها» آمده است. مفردات و واژه‌های برگزیده و بحث‌شده کتاب، بر اساس آغازین حروف تنظیم شده است. نویسنده در آغاز، معانی لغوی آن‌ها را به دقت بازگفته و سپس به گونه‌های استعمال آن‌ها در قرآن پرداخته است. در حقیقت فیروزآبادی مشهور به نگارش به قاموس، در این کتاب علوم قرآن خود، جنبه‌های واژگانی و ادبی علوم قرآن را ارتقا داده است.

تأثیرپذیری فیروزآبادی از منابع پیشین، به‌ویژه مفردات راغب بسیار روشن است. بخش واژه‌شناسی بصائر بجز سوره‌شناسی تحت تأثیر مفردات راغب است؛ اما گستردگی طرح بحث او در این موضوع با آثار پیشین از این دست قابل مقایسه نیست (ر.ک به: بینات، شماره ۴۹، ص ۵۹-۷۰؛ فصلنامه پژوهش‌های علوم قرآنی، شماره ۳۵ و ۳۶، ص ۳۲۲-۳۳۷).

شخصیت منصف، دقیق و علمی فیروزآبادی بدون تأثیرپذیرفتن از عوامل مختلف محیطی و اجتماعی توانست با کارکرد و ساختاری مناسب، محتوای جامعی را در علوم قرآن سامان و در برخی مباحث تولید کند. اثر التیسیر کافیجی، منبعی خوب و مفید در عرصه علوم قرآن است. مقدمه خوب مطرودی بر کتاب کافیجی و توضیح فضای تاریخی آن دوره نکات قابل توجهی را نشان می‌دهد (کافیجی، ۱۴۱۰ق: مقدمه مطرودی). می‌توان گفت با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی تصویرشده و همچنین رکود علمی موجود، شاید مباحث کافیجی بر کتابش را اغراق ندانیم. چرا که نگارش همچون کتابی و تنظیم و سامان قابل قبول صورت گرفته در آن دوران (بدون دیدن کتب البرهان)، نگارش قابل توجهی محسوب می‌شود. هر چند به‌هر حال با فاصله چند سال وقتی سیوطی کتاب کافیجی را می‌بیند به نسبت با کتاب بلقینی و البرهان، جذابیت و اقعاع علمی برای او به دنبال نداشته است. پس با یک نگاه تعادلی می‌توان گفت نه این‌قدر

مباحثات خود کافيجی به التيسير و نه این قدر خرد شمردن سیوطی؛ التيسير کتابی است در حد متوسط که نکات قابل استفاده‌ای دارد البته از سطح علمی البرهان و مواقع العلوم پایین تر است. شاید اگر کافيجی، کتاب البرهان را دیده بود یا دیگر از تالیف کتاب التيسير منصرف می شد یا ساختار، کارکرد و محتوای آن را تغییر داده و اثری بهتر تقریر میکرد. هرچند سنجش شخصیت علمی و اوضاع و اقتضائات کافيجی این نکته را به ذهن تداعی می کند که توان و قابلیت نگاشته التيسير حتی با دیدن البرهان، اندکی مطلوب تر می شد؛ اما هیچ موقع به جایگاه البرهان و شخصیت علمی و بضاعت تقریر زرکشی نمی رسید.

نتیجه گیری

با توجه به نکات گفته شده، عوامل تأثیرگذار مختلفی در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی در این عصر وجود داشته و نویسندگان به خوبی در مقابل عوامل سیاسی و فشار حاکمان مقاومت کرده و آثار و نظرات ارزشمندی را در علوم قرآن به یادگار گذاشتند.

کتاب فیروزآبادی کتابی جامع و قابل قبول در علوم قرآن است. تقریباً با توجه به سنجش احوالات علمی، فرهنگی و سیاسی آن روزگار به طور مسلم در مباحث جامع علوم قرآن تأثیرگذاری قابل توجهی داشته است. کتاب فضائل القرآن عسقلانی از حیث کارکرد، ساختار و محتوا رتبه ای پایین تر از بصائر فیروزآبادی دارد. کتاب مختصر مواقع العلوم بلقینی از کتاب جامع و مفصل بصائر، تأثیرگذاری کمتری داشته و تأثیرگذاری در عرصه علوم قرآن را در قرن ۹ سیر نزولی می دهد. در مورد کتاب التيسير کافيجی، مباحثات کافيجی بر کتاب خودش و از سوی دیگر خرد شمردن این کتاب توسط سیوطی، نکته قابل تاملی است. تأثیرگذاری آن در حد متوسط ارزیابی می شود.

به هر حال سنجش آثار آنان برای ما در این دوره که شاهد البرهان فی علوم القرآن بدرالدین زرکشی در قرن ۸ بوده ایم، دستاورد قابل توجهی را در علوم قرآن در قیاس با البرهان نداشته است. مسلماً آثار جامع تر و متقن تری را در قرن ۹ انتظار داشتیم؛ اما به خاطر داشته باشیم که نویسندگان آن دوره شناختی نسبت به البرهان زرکشی نداشتند و در حدّ توان خود آثار جامعی را خلق کردند.

این تحقیق داده های تحلیلی را در مورد «تأثیرگذار بودن کتب جامع قرن ۹» برای مخاطبان تخصصی رشته علوم قرآن بیان کرده است. رهاورد فهم این مطلب می تواند، تکمیل سرفصل دروس دانشگاهی رشته علوم قرآن برای بررسی منابع جامع تأثیرگذار علوم قرآن باشد. همچنین این نتایج، کمک کننده به فهم جریان علم (علوم قرآن) کرده و دانش و بینش کمی و کیفی مخاطبان را نسبت به تاریخ منابع علوم قرآن تکمیل می کند.

کتابنامه

بلقینی، جلال الدین. ۱۴۳۷ق، **مواقع العلوم فی مواقع النجوم**، تحقیق نبیل صابری (ماجستير)، جامعة الجزائر.

حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله القسطنطنی. ۱۹۸۲م، کشف الظنون عن أسامی الكتب و الفنون، بیروت: دارالفکر.

زریاب، عباس. ۱۳۷۴ش، مدخل این حجر عسقلانی، تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۳.

سخواوی، محمد بن عبدالرحمان. بی تا، الضوء اللامع لاهل القرن التاسع، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاه. سیوطی، جلال الدین. ۱۳۸۷ق، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره: چهار جلد در دو مجلد.

سیوطی، جلال الدین. ۱۴۲۱ق، التخبیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالفکر.

عزالدین، محمد کمال الدین. ۱۴۱۴ق، التاریخ و المنهج التاریخی لابن حجر، بیروت: دار اقرأ.

عسقلانی، ابن حجر. بی تا، انباء الغمر بابناء العمر، کتابخانه مدرسه فقاقت. قابل دسترسی در: <http://lib.eshia.ir/40066/1/116>

عسقلانی، ابن حجر. ۱۳۸۲ش، فضائل القرآن (برگزیده فتح الباری فی شرح صحیح البخاری)، بیروت: دار و مکتبه الهلال.

فارویی فیروزی، مصطفی. بی تا، مدخل بلقینی، تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ج ۱۲، شماره ۱۷۳۳. قابل دسترسی در: <https://cgie.org.ir/fa/publication/entryview/7970>

فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب. ۱۹۹۱م، القاموس المحيط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب. ۱۴۱۶ق، بصائر ذوی التمزیز فی لطائف الكتاب العزیز، تحقیق: محمدعلی النجار، قاهره: جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة.

کافجی، محمدبن سلیمان. ۱۴۱۰ق، التیسیر فی قواعد التفسیر، تحقیق ناصر بن محمد مطرودی، دمشق: دارالقلم. کافجی، محی الدین. ۱۴۱۹ق، التیسیر فی قواعد علم التفسیر، تحقیق: مصطفی محمد حسین ذهبی، قاهره: مکتبه المقدسی.

کحّاله، عمرضابی تا، معجم المؤلفین، بیروت: موسسه الرساله.

محسنی تبریزی، علیرضا. ۱۳۹۵ش، روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)، تهران: انتشارات اطلاعات.

محمدپور، احمد. ۱۳۹۲ش، روش تحقیق کیفی ضدروش، تهران، جامعه شناسان.

مهدوی راد، محمدعلی. ۱۳۸۴ش، سیر نگارهای علوم قرآنی، تهران: هستی نما.

مقالات

اقبال، ابراهیم و پهلوان، منصور. ۱۳۹۱ش، مقاله «تقسیم نامه علوم قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۰. سلطانی رنای، مهدی. ۱۳۸۲ش، مقاله «سیر تاریخی وجوه و نظائر»، فصلنامه پژوهشهای علوم قرآنی، شماره ۳۵ و ۳۶.

فاضل (یزدی مطلق)، محمود. ۱۳۷۸ش، «مجدالدین فیروز آبادی؛ مؤلف قاموس اللغة یا سهم ایرانیان در نهضت فرهنگ نویسی به زبان عربی»، مجله دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مشهد، شماره ۴۳ و ۴۴.

مهدوی راد، محمدعلی. ۱۳۷۵ش، «سیر نگارهای علوم قرآنی (۷)»، بینات، شماره ۱۰.

- Eghbal, Ebrahim.(1391), Taghsimnameh oloome Qorani, Motaleate Qorani,10.
- Bolgheiny, Jalal al din.(1437), Mavagheol oloom fi mavagheol njoom, Jameatoljazyayer.
- Hejy khalifeh, Mostafa.(1982), Kashf al zoonon, Beyroot: Daro al fekr.
- Zaryaab, Abbas.(1374), Ebne hajar asghalany, Tehran:Daeratolmaaref eslaamy.
- Sakhavi, Mohammad, Azzaaoellamee al gharnottaseee, Beirut: Daro maktabatolhayat.
- Pajooheshe ghoraani,35-36. Soltaanie renanni, Mahdi.(1382), Seyre tarikhe vojoooh, Soyooty, Jalalo al din.(1387),Aletghaan,Ghaahereh.
- Soyooty, Jalalo al din.(1421),Attahbir, Beirut: Darolfekr.
- Essoddin, Mohammad.(1414), Attarikh valmanhaje ttarikhie ebne hajar, Beyroot: Daroleghraae.
- Asghalaani, Ebnehajar, Anbaaolghamar, Fghaahat, <http://lib.eshia.ir/40066/1/116>.
- Asghalaani, Ebnehajar.(1382),Fazaaelolghoraan, Beirut: Darlhelal.
- Faaroobi, Mostafaa.Bolgheiny, Tehran:Daeratolmaaref eslaamy, <https://cgie.org.ir/fa/publication/entryview/7970>.
- Fazel, Mahmood, firoozabadi writer ghaamoosolloghah, Mashhad,43-44.
- Firoozabaadi, mohammad.(1991),Ghamoosolmahit, Beyroot: Daroehyaaelarabi.
- Firoozabaadi, mohammad.(1416), Ghahereh:vazaarat oghaf.
- Kafiji, Mohammad.(1410), Attaysir, Damshgh: Darolghalam.
- Kafiji, Mohammad.(1419), Attaysir, Ghahereh: Maktabatolmoghaddasi.
- Kahaaleh, Reza,Moejamolmoallefin, Beirut:Moassesaoresaleh.
- Mohseni tabrizi, Alireza, Raveshkeyfi, Teran: Ettelaat.
- Mohammadpour, Ahmad(1392), Ravesh tahghighe keyfi, Tehran: Jaameeshenasan.
- Mahdavirad, Mohammadali(1384), Seire nagareshhaaye oloome ghorani, Tehran:Hastinema.
- Mahdavirad, Mohammadali(1375), "Seire nagareshhaaye oloome ghorani(7)", Bayyenat,10.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: نجمه نجم، مهریزی مهدی، مهدوی راد محمدعلی، تحلیل تاریخی دو منبع جامع علوم قرآن قرن نهم؛ بصائر فیروزآبادی و التیسیر کافیجی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۳۲-۱۹.